

مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه

محمدجواد فتحی^۱، الهام رسولی ثانی‌آبادی^۲، میلاد خسروی نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶.۰۶.۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷.۰۸.۰۷

چکیده

امروزه منطقه‌گرایی یکی از الزامات سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهد و توجه به مناطق پیرامونی و پتانسیل‌های خاص هر کشور، دولت‌ها را به سمت راهبردهای منطقه‌ای خاصی رهنمود می‌کند. کشورها تلاش دارند با استفاده از نقش منطقه‌ای و ظرفیت‌های موجود، به افزایش قدرت بین‌المللی خود بپردازند. ایران و ترکیه به عنوان دو کشور مهم منطقه‌ای به لحاظ شرایط خاص آنها در خاورمیانه، همواره به دنبال افزایش نقش منطقه‌ای خود بوده‌اند. تحولاتی که از سال ۲۰۱۱ در سوریه و سپس در کشور عراق از سال ۲۰۱۳ آغاز شد، تأثیرات زیادی بر منطقه‌گرایی دو کشور برجای گذاشته است. براین اساس، سؤال پژوهش حاضر این است که تحولات سوریه و عراق چه تأثیری بر منطقه‌گرایی ایران و ترکیه داشته است؟ فرضیه نیز بدین گونه است که تحولات منطقه با توجه به فراهم آوردن فرصت‌ها و چالش‌های مشترک منطقه‌ای، نگاه ژئوپلیتیک ایران و ترکیه را تقویت کرده است. شایان ذکر است که با استفاده از تز مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مکتب کپنهاک، چالش‌ها و فرصت‌هایی در قالب سه مؤلفه وابستگی متقابل امنیتی، الگوهای دوستی و دشمنی و همبستگی‌های فرهنگی و نژادی ایجاد شده است. براساس یافته‌های پژوهش، فرصت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی و چالش‌های امنیتی و اقتصادی، موجب تقویت سیاست منطقه‌گرایی ایران و ترکیه پس از تحولات منطقه شده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای - اسنادی بوده است.

واژه‌های کلیدی: منطقه‌گرایی، ایران، ترکیه، مکتب کپنهاک، امنیت منطقه‌ای، تحولات سوریه و عراق.

۱. (نویسنده مسئول)، دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد تهران،

ایران f.mjavad@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد، ایران

۳. دانش‌آموخته رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

مقدمه

یکی از موضوع‌های مهمی که در عرصه روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته، منطقه‌گرایی^۱ است. از همین رهگذر، کشورها تلاش دارند تا نقش و نفوذ منطقه‌ای خود را افزایش دهند. منطقه‌گرایی با ترکیبی از عوامل جغرافیایی، ارتباطات، چارچوب‌های نهادی و هویت‌های فرهنگی تعریف می‌شود. امروزه کشورها به اهمیت مناطق پیرامونی خود واقفند و بعلاوه سعی دارند ارتباطات منطقه‌ای خود را افزایش دهند. البته، گاهی شرایط و رویدادهای یک منطقه، کشورهای آن را به منطقه‌گرایی تشویق می‌کند که در این صورت سیاست منطقه‌گرایی کشورها با تغییر و تحولاتی مواجه می‌شود. از سال ۲۰۱۱ سوریه به عرصه‌ای برای کشمکش بر سر قدرت تبدیل شده است که مخالفان دولت در یک طرف و دولت بشار اسد در سمت دیگر منازعه قرار دارند. این امر به بحرانی سراسری در سوریه منجر شده که با گذشت هفت سال همچنان ادامه دارد. با ورود داعش به این کشور و سپس به عراق، دامنه بحران گسترش یافت و منطقه وسیعی از سوریه و عراق را در بر گرفت و این دو کشور را با مشکلات جدی روبه‌رو کرد که تنها به مسائل داخلی منتهی نشده و ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به خود گرفته است. درخور توجه است که این دو بحران، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای ایران و ترکیه ایجاد کرده است تا این دو کشور در تلاش باشند سیاست خارجی خود را با چنین شرایطی سازگار کنند و از آن به سود خود بهره ببرند. طی دهه‌های مختلف، دو کشور جهت‌گیری‌های متفاوتی را در قبال منطقه دنبال کرده‌اند که در کنار راهبردهای منطقه‌ای آنها تحت تأثیر متغیرهای خارجی در قالب دو بحران سوریه و عراق بوده است. براین اساس، سؤال پژوهش حاضر این است که تحولات سوریه و عراق چه تأثیری بر سیاست منطقه‌گرایی ایران و ترکیه داشته است؟ فرضیه نیز بدین گونه است که تحولات منطقه با توجه به فراهم آوردن فرصت‌ها و چالش‌های

مشترک منطقه‌ای، نگاه ژئوپلیتیک ایران و ترکیه را تقویت کرده است. روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی است.

۱. مبانی نظری

مکتب کپنهاگ و مجموعه امنیت منطقه‌ای: مکتب کپنهاگ^۱ از جمله مکاتبی است که در خصوص منطقه‌گرایی^۲ نظریه‌پردازی کرده است. این تئوری به مناطق از زوایه امنیتی نگاه می‌کند و سطح تحلیل منطقه‌ای^۳ را برای درک امنیت^۴ مناسب‌ترین سطح تحلیل می‌داند. پس از دهه ۱۹۸۰ و ناتوانی مکاتب رئالیسم و ایدئالیسم در پیش‌بینی جنگ سرد، افرادی همچون باری بوزان^۵ و الی ویور^۶ تعریف جدیدی از امنیت ارائه کردند که با عنوان مکتب کپنهاگ شناخته می‌شود. علت نام‌گذاری این مکتب فکری با عنوان کپنهاگ نیز، گردهمایی اندیشمندان آن در شهر کپنهاگ بود. از دیدگاه بوزان، پایان جنگ سرد ناامنی‌های زیادی را موجب شد که این امر نتیجه تک بعدی نگری مکاتب کلاسیک از جمله مکتب رئالیسم بود که دولت را تنها موضوع امنیت می‌دانست و مکتب جهان‌گرا^۷ که نظام بین‌الملل را تنها موضوع امنیت می‌دانست. بعلاوه، وی معتقد بود این مکاتب از ویژگی امنیتی مناطق غافل بوده‌اند. از این نظر، بوزان سطح تحلیل منطقه‌ای را مناسب‌ترین سطح برای درک امنیت می‌دانست. بوزان و ویور برای درک امنیت منطقه‌ای، تز مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای^۸ را

-
1. Copenhagen school
 2. Regionalism
 3. Regional Analysis
 4. Security
 5. Barry Buzan
 6. Dewilde Waver
 7. Universalism School
 8. Regional Security Complex

ارائه کردند. مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای، مجموعه‌ای از واحدهاست که فرایندهای اصلی امنیت و عدم امنیت، و یا هر دوی آنها به گونه‌ای با یکدیگر مرتبطند که مسائل امنیتی آنها به صورت منطقی نمی‌تواند جدا از یکدیگر تجزیه و تحلیل یا حل و فصل شود. مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای شامل مؤلفه‌های ذیل هستند:

۱-۱. **وابستگی متقابل امنیتی**^۱: عامل اساسی در چارچوب یک مجموعه، احساس تهدید یا ترس متقابل میان دو یا چند دولت مؤثر است. منظور از وابستگی متقابل امنیتی، آن است که تغییر و تحولات امنیتی در هریک از واحدهای مجموعه بر دیگر واحدها نیز تأثیر می‌گذارد. علت استفاده از معیار متقابل بودن، تأکید بر تأثیر و تأثر امنیتی است. وابستگی متقابل امنیتی می‌تواند مثبت و یا منفی باشد؛ یعنی درون آن همکاری امنیتی یا منازعه امنیتی وجود داشته باشد و یا به بیان دیگر، ناامنی در یک مجموعه موجب ناامنی در مجموعه‌ای دیگر گردد(مثبت) و یا بهبود شرایط امنیتی و ازدیاد قدرت در یک واحد، تأثیری منفی بر روی امنیت ملی واحد دیگر داشته باشد(منفی)(عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۷۰).

۱-۲. **الگوهای دوستی و دشمنی**: متغیرهای تاریخی نظیر دشمنی‌های پایدار یا قرارگرفتن در یک حوزه تمدنی مشترک، از ویژگی‌های خاص یک مجموعه امنیت منطقه‌ای است. بوزان عنصر اصلی را که در روابط قدرت باید به آن توجه کرد، الگوی دوستی و دشمنی بین دولت‌ها می‌داند. منظور از دوستی این است که در روابط بین دولت‌ها طیفی متشکل از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد و منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوءظن و هراس حاکم باشد(بوزان، ۱۳۸۹: ۲۱۶).

۱-۳. **همبستگی‌های فرهنگی و نژادی**: پس از پایان جنگ سرد^۲ اختلاف‌های قومی و نژادی در بسیاری از مناطق؛ به‌ویژه آسیای میانه ظهور کرد و نزاع‌ها و جنگ‌های گوناگونی را به

1. Security Interdependence

2. Cold War

دنبال داشت. بوزان عقیده دارد مقوله‌هایی همانند جریان‌های قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین‌المللی با سرعت و به سهولت خاورمیانه را نظاره‌گر نزاع‌های خونین ساخته است. این امر حتی موجب شکل‌گیری سازمان‌های محلی متفاوتی مثل جامعه عرب و شورای همکاری خلیج فارس نیز شده است که نقش مهمی در گسترش همکاری و وحدت دولت‌ها دارند (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۶-۱۴۵).

۲. وابستگی متقابل امنیتی و منطقه‌گرایی ایران و ترکیه

ایران و ترکیه در منطقه‌ای بسیار بحرانی قرار دارند که به سیاست خارجی دو کشور صبغه امنیتی داده است. عوامل زیادی امنیت دو کشور را به مسائل و تحولات منطقه پیوند می‌زند؛ اما در رابطه با تحولات جدید سوریه و عراق، مهم‌ترین مسائلی که موجب وابستگی متقابل امنیتی دو کشور به منطقه می‌شود و به دنبال آن تلاش دو کشور برای مقابله با تهدیدات را موجب می‌شود، ظهور جریان‌ات تروریستی جدید و جنبش‌های قومی است.

دولت‌های ضعیف و شکننده در عراق، پاکستان و افغانستان باعث گسترش تروریسم و افراط‌گرایی در منطقه شده‌اند. این امر نظم و ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. وهابیت و سلفی‌گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی، منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی است (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۲). ظهور جریان افراطی و تروریستی داعش (دولت اسلامی عراق و شام) در عراق و سوریه، موج جدیدی از ناامنی را در منطقه ایجاد کرد. اگرچه زمینه‌ها و ریشه‌های این جریان به سال‌های قبل از تحولات برمی‌گردد؛ اما حضور آن در قالب جنگ‌ها و برخوردهای مسلحانه به صورت گسترده از ۲۰۱۱ آشکار شد. داعش نه تنها امنیت سوریه و عراق را مختل کرده است؛ بلکه تهدیدی علیه امنیت و تمامیت ارضی کشورهای همسایه

از جمله ایران و ترکیه است. داعش گروهی مسلح و شبه‌نظامی است که عقاید سلفی و جهادی دارد و هدف از تشکیل آن خلافت اسلامی است. سلفی‌ها بر مبارزه مسلحانه و پیکارجویانه برای تجدید حیات اسلام تأکید دارند و بنابراین، بر به دست آوردن قدرت سیاسی تلاش دارند (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۲). یکی از مبانی فکری داعش، مبارزه با تشیع است و در این راه شیعیان بسیاری را در عراق و سوریه به قتل رسانده است. بنابراین، ایران که کشوری شیعه است، یکی از اهداف اقدامات داعش علیه شیعیان را تشکیل می‌دهد. نزدیکی و همسایگی کشور عراق و سوریه تهدید داعش را برای ایران افزایش می‌دهد؛ به این دلیل که هرچه کانون تهدید نزدیک‌تر باشد، تأثیر آن بیش‌تر و سریع‌تر خواهد بود. موضع ایران در قبال داعش، حمایت از دولت‌های عراق و سوریه و کمک به آنها برای مقابله با این جریان تکفیری - وهابی بوده است. حضور سپاه قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی و آموزش و هدایت نیروهای عراقی و سوری، از جمله اقدامات ایران در مقابله با داعش بوده است (سپاه قدس، ۲۵ اسفند ۱۳۹۳).

ترکیه نیز به این نتیجه رسیده است که داعش می‌تواند تهدیدی برای امنیت ملی آن باشد. پس از بحران کوبانی که در آن نیروهای داعش و نیروهای کردی وارد جنگ شده بودند و داعش توانسته بود به مرزهای ترکیه برسد، این کشور حذف دو عنصر تهدیدی داعش و کردها را به طور همزمان در دستور کار قرار داد. ترکیه در تکمیل فرایند نقش‌آفرینی خود در بحران‌های سوریه و عراق در جولای ۲۰۱۵ اقدام به یک رشته حملات علیه داعش در خاک سوریه و شمال عراق کرد. این حملات ترکیه، در پی حمله به پاسگاه مرزی در ترکیه و حمله انتحاری که به کشته شدن ۳۲ شهروند ترکیه‌ای در شهر مرزی سورج منجر شده بود، انجام شد (guardian, 25 jul 2015). داعش محدوده وسیعی از عراق و سوریه را برای خود تعریف کرده است که تماماً در نزدیک مرزهای ترکیه واقع است. ایده جهاد در این جریان نه تنها مسلمانان؛ بلکه غیرمسلمانان را نیز در برمی‌گیرد. آنها

یک نوع عمل‌گرایی مفرط دارند که علاقه شدیدی به جنگ و خصومت در آنها دیده می‌شود (Bekdil, 2015).

وجود قومیت‌های پراکنده در منطقه نیز از جمله عواملی است که موجب وابستگی متقابل امنیتی دو کشور شده است و سیاست خارجی آنها را به سمت مسائل منطقه‌ای هدایت می‌کند. اقوام کرد، ترک و عرب و مذاهب تشیع، تسنن و علوی از جمله قومیت‌هایی است که در منطقه برای دو کشور دغدغه امنیتی ایجاد کرده و سیاست خارجی دو کشور را با مسائل منطقه‌ای همگام کرده است.

به‌طور کلی، تروریسم و افراط‌گرایی و پراکندگی‌های قومی موجب وابستگی متقابل امنیتی در منطقه شده است؛ به‌طوری که حضور هر یک از این عوامل در هر کدام از کشورها، کل منطقه را با مشکل و معضل امنیتی مواجه می‌کند. در چارچوب تحولات اخیر منطقه نیز این عوامل همواره موجب اتخاذ سیاست خارجی متناسب برای حفظ امنیت ملی و ایجاد ثبات در منطقه از سوی ایران و ترکیه شده است و در نتیجه افزایش نقش منطقه‌ای را در صدر اهداف سیاست خارجی در این مقطع زمانی قرار داده است. وجود وابستگی متقابل امنیتی در منطقه؛ به‌خصوص در رابطه با تحولات و بحران‌های جدید سوریه و عراق، این دو کشور را خواه ناخواه به سمت منطقه‌گرایی سوق می‌دهد. شایان ذکر است که وقوع کودتای اخیر در ترکیه از یک سو و خطرهای شیوع تروریسم در عراق و سوریه که بخش پهناوری از این دو کشور در مجاورت مرزی ترکیه و ایران قرار دارد، به نزدیکی دو کشور برای نیل به اهداف منطقه‌ای منجر شده است. از این رو، مقامات ترکیه در حالی با شرایط جدید کنار آمده‌اند که پیش از این، یکی از جدی‌ترین بازیگران خواهان سقوط بشار اسد بودند؛ اما امروزه شاهد هستیم که در کنار ایران و روسیه، یکی از محورهای اساسی نشست‌های صلح برای حل بحران سوریه از طریق سیاسی است.

۳. الگوهای دوستی و دشمنی و منطقه‌گرایی ایران و ترکیه

برای بررسی الگوهای دوستی و دشمنی باید شیوه توزیع قدرت و مناسبات تاریخی کشورها را بررسی کرد. در ادامه، این عوامل را در ارتباط با الگوهای دوستی و دشمنی ایران و ترکیه در منطقه بررسی می‌کنیم.

۳-۱. نقش توزیع قدرت در الگوهای دوستی و دشمنی: اگر نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای را در نظر بگیریم، موازنه قدرت در خاورمیانه همواره حول رقابت چند کشور مهم بوده است. ایران، ترکیه، عربستان و مصر، مهم‌ترین کشورهایی هستند که همواره تلاش داشته‌اند نحوه توزیع قدرت را به نفع خود تغییر دهند. اگر حضور آمریکا و روسیه را در منطقه به این امر اضافه کنیم، آنگاه خواهیم دید که کشورهایی کوچک‌تر مثل سوریه یا شیوخ حوزه خلیج فارس، با اتحاد با این دو قدرت فرامنطقه‌ای به دنبال تغییر موازنه قدرت هستند. از زمان خروج بریتانیا در سال ۱۹۷۱ از خلیج فارس تاکنون، مجموعه امنیتی منطقه چند فصل تاریخی از جمله پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حمله عراق به کویت، حمله آمریکا به عراق و در نهایت، تحولات عربی ۲۰۱۰ را پشت سر گذاشته است. این موارد جملگی بر منطق توزیع قدرت در منطقه تأثیرگذار بوده است. بر این اساس، متغیرهایی چون فناوری‌های جدید نظامی، مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای و میزان تأثیر الگوهای ایدئولوژیک، تعیین‌کننده سطوح گوناگون توازن منطقه‌ای و الگوهای دوستی و دشمنی بوده‌اند (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۵).

از سال ۲۰۱۰ به این طرف، فصل نوینی از توزیع قدرت در منطقه آغاز شده است. شروع تحولات خاورمیانه و خیزش‌های مردمی، فرصت‌ها و چالش‌های زیادی را پیش روی قدرت‌های منطقه‌ای برای نقش‌آفرینی بیش‌تر در تحولات منطقه ایجاد کرد. شروع اعتراضات مردمی در تونس و سپس کشیده شدن آن به مصر، لیبی و سپس منطقه خلیج فارس، با تحولات بحرین و سوریه و عراق، قدرت‌های منطقه‌ای را وارد رقابت جدیدی

مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه‌گرایی.../۳۷

کرد. تحولات سوریه و عراق صحنه جدی‌تری از کشاکش قدرت بین کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. در اینجا کشورهای منطقه‌ای از جمله ایران، عربستان، ترکیه، قطر و کشورهای فرامنطقه‌ای همچون آمریکا و روسیه به دنبال بیش‌ترین سهم از قدرت هستند. تحولات سوریه را می‌توان منازعه‌ای بین آمریکا، ترکیه و عربستان از یک سو و ایران و روسیه از سوی دیگر، برای کسب قدرت و ایجاد نفوذ بیش‌تر در منطقه ارزیابی کرد؛ به طوری که حل بحران در سوریه به آنچه از سوی بازیگران رقیب در این کشور اتفاق می‌افتد، بستگی دارد (علایی، ۱۳۹۲). ایران سیاست فعالانه‌ای را در قبال تحولات سوریه و عراق اتخاذ کرد. ترکیه و عربستان نیز از ابتدای بحران به عنوان دو قدرت منطقه‌ای در تلاش برای بهره‌مندی از بحران در جهت تغییر موازنه قدرت به سود خود هستند. با ورود تروریسم به تحولات سوریه و سپس عراق، این رقابت بیش‌تر شد. ترکیه و عربستان به حمایت از مخالفان دولت در سوریه پرداختند و برای ساقط کردن رژیم تلاش کردند. در صورت موفقیت چنین امری موازنه قدرت به سود عربستان و ترکیه و به ضرر ایران تغییر می‌کند. عربستان با صدور بیانیه‌ای در ۶ اوت ۲۰۱۱ در شورای همکاری خلیج فارس از دولت سوریه خواست تا به کشتار مردم پایان دهد. این امر نقش عربستان را در تحولات سوریه پررنگ کرد. عربستان در ادامه، حمایت‌های لجستیکی و نظامی از مخالفان بشار اسد به عمل آورد. این کشور، تضعیف سوریه را در چارچوب رقابت منطقه‌ای با ایران تحلیل می‌کند (کوهکن و تجربی، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۱۸). ترکیه نیز در ابتدا موضع میانه‌روی در پیش گرفت؛ اما با ادامه بحران به حمایت از مخالفان و کمک به شورشیان پرداخت و زمینه‌های لازم را برای ورود معترضان مسلح به سوریه فراهم کرد (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۲). با ورود داعش به عرصه تحولات سوریه و عراق، ترکیه در ابتدا به حمایت‌های اقتصادی و لجستیکی از آن پرداخت و در ادامه آن را توجیهی برای اقدام نظامی در سوریه و شمال عراق کرد. دستگاه سیاست خارجی ترکیه تلاش داشته است فرصت‌ها و چالش‌های حاصل

از تحولات جدید را در جهت تغییر موازنه قدرت به کار ببرد. بحران‌های سوریه و عراق الگوهای جدیدی از دوستی و دشمنی را در منطقه شکل می‌دهد. در صورت سقوط هریک از رژیم‌های دو کشور، توزیع قدرت در منطقه نیز دگرگون می‌شود. در حال حاضر در برخورد با بحران‌های سوریه و عراق نوعی سوءظن و هراس در سیاست خارجی ترکیه نسبت به دولت‌های این دو کشور وجود دارد که موجب شده ترکیه اصل به صفر رساندن مشکلات با همسایگان را فراموش و به تسلیح مخالفان این دولت‌ها بپردازد؛ منتها از کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ به این طرف، سیاست خارجی ترکیه نسبت به بحران‌های عراق و سوریه دچار تغییراتی شده است و اکنون این کشور به مانند سال‌های ابتدایی بحران در جبهه مقابل دولت‌های مرکزی دو کشور قرار ندارد و با رایزنی‌های به عمل آمده با ایران و روسیه، در تلاش برای پیدا کردن راه حل سیاسی به منظور برقراری ثبات در کشورهای همجوار است. در واقع، درحالی‌که ترکیه تلاش می‌کرد سیاست خارجی خود را بر اساس روابط حسنه با سایر کشورها شکل دهد، کودتای جولای ۲۰۱۶ سبب شد تا در مقابل نیروهای حامی کودتا موضع خود را تغییر دهد و به سمت ایران و روسیه حرکت کند که کودتا را محکوم کردند و در ادامه، اردوغان در نشست آستانه همراه با این دو کشور بر سر مسأله سوریه همراه شد.

ایران در رابطه با بحران سوریه به دنبال ثبات و حل قضیه از طریق سیاسی بوده است. گزینه اصلی ایران ابقای نظام فعلی سوریه و بازسازی مجدد این کشور است. با توجه به پیوند استراتژیک ایران با سوریه در سه دهه گذشته، ایران هرگز به سرنگونی رژیم سوریه رضایت نخواهد داد و تمام ظرفیت خود را در جهت حفظ این حکومت به کار خواهد بست (پرتو، ۱۳۹۲). با ورود داعش به معادلات سوریه و عراق، ایران نیز فعالیت خود را بیش‌تر کرده است؛ چراکه در صورت سقوط رژیم‌های این دو کشور، موازنه قدرت به شدت به زیان ایران تغییر می‌کند و در انزوا قرار خواهد گرفت. در رابطه با داعش در

سوریه و عراق، ایران اقدام به اعزام مستشاران نظامی جهت آموزش‌های نظامی و فرماندهی نیروهای سوری و عراقی علیه آنها کرده و نفوذ خود را بیش از پیش در این دو کشور افزایش داده است. سپاه قدس توانسته در عراق و سوریه بسیاری از مناطق تحت تصرف داعش را آزاد کند و تلفات سنگینی به آنها وارد نماید (سپاه قدس، ۲۵ اسفند ۱۳۹۳). بنابراین، توازن قدرت در جریان تحولات جدید منطقه بالاخص بحران سوریه و عراق وارد مرحله جدیدی شده است که ایران و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای تلاش دارند این توازن را به نفع خود تغییر دهند.

۲-۳. روابط تاریخی و الگوهای دوستی و دشمنی منطقه‌ای: روابط تاریخی کشورها، معیار مشخصی برای دوستی‌ها و دشمنی‌های آنها در شرایط امروز و آینده است. در ادامه روابط ایران و ترکیه را با کشورهای منطقه؛ به‌ویژه سوریه و عراق بررسی خواهیم کرد تا الگوهای دوستی و دشمنی آنها در منطقه مشخص شود.

الف- روابط ایران و ترکیه با عراق: انقلاب اسلامی ایران، بیش از همه موجودیت حکومت نامشروع و خودکامه در عراق و منطقه را تهدید می‌کرد؛ چراکه دارای بیش‌ترین جمعیت شیعه نشین بوده است و اگر عراق سقوط می‌کرد، کشورهای عرب خلیج فارس یکی پس از دیگری سقوط می‌کردند (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۸۸). ایران و عراق روابط پرتنش را آغاز کرده بودند تا اینکه در شهریور ۱۳۵۹ اختلافات مرزی موجب جنگ بین دو کشور شد و پس از ۸ سال با قطعنامه ۵۹۸ پایان یافت. پس از آن نیز روابط دو کشور بهبود نیافت و تا سرنگونی^۱ صدام حسین در سال ۲۰۰۳ (Eisenstadt, 2015: 1) روابط محتاطانه‌ای در پیش گرفتند. با حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعث، نفوذ و قدرت ایران در منطقه افزایش یافت؛ ضمن آنکه دشمن و رقیب غربی آن نیز حذف شده بود. از سوی دیگر، با روی کار

1. toppling

آمدن یک دولت شیعی در عراق، روابط ایران و عراق نیز دوستانه‌تر شده و از دشمنی‌های طرفین کاسته شده است (ولدانی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). دولت جعفری که پس از صدام روی کار آمد، روابط دوستانه‌ای با ایران داشت و روابط چندجانبه بین طرفین بهبود یافت. با روی کار آمدن نوری مالکی، این روابط بسیار گرم‌تر شد. در سطح روابط دوجانبه حضور شیعیان در رأس قدرت پس از سقوط حزب بعث، زمینه‌های همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی امنیتی را فراهم کرده است. از سوی دیگر، با پررنگ کردن نقش شیعه در منطقه، بر قدرت و نقش ایران افزوده شده است. ایران پس از سقوط صدام حسین برای رسیدن به اهداف خود در عراق، استراتژی‌های مختلفی را دنبال کرده است که از جمله می‌توان به حمایت از نیروهای نظامی و احزاب طرفدار ایران، تلاش برای نفوذ بر رهبران و احزاب سیاسی عراقی و بازسازی اقتصاد عراق اشاره کرد (Katzman, 2009:2-3).

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ فصل جدیدی از روابط خارجی ترکیه با کشورهای منطقه به وجود آمد. در این راستا، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه بر مبنای به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و سیاست خارجی چندجانبه‌گرا شکل گرفت و تلاش شد اختلافات سیاسی و فرهنگی با همسایگان مخصوصاً عراق و سوریه حل و فصل شود. ترکیه از این دوران به بعد با ایفای نقش میانجیگری بین کشورها و در بحران‌های مختلف، سعی در ایجاد روابط مثبت با کشورهای منطقه را داشته است. در جریان حمله ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، ترکیه نه تنها با آن مخالفت کرد؛ بلکه اجازه استفاده از خاک کشورش را به نیروهای ائتلاف نداد. روابط ترکیه و عراق در این دوره به طور قابل توجهی گسترش یافت. دیدارهای عبدالله گل، اردوغان و داوود اغلو از عراق و دیدارهای نوری مالکی و جلال طالبانی از ترکیه طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، به گسترش همکاری‌ها و روابط اقتصادی و سیاسی دو کشور منجر شد. تحولات جدید و بحران تروریسم در عراق، روابط دو کشور را متحول کرده است؛ به طوری که

مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه‌گرایی.../ ۴۱

براساس مواضع دولت ترکیه در قبال داعش و پ.ک.ک، حضور این کشور در شمال عراق موجب نگرانی دولت این کشور شده است. در راستای قرارداد سال ۲۰۱۴ بین ترکیه و عراق، سربازان ترک در اردوگاه بعشیره در نزدیکی‌های موصل، به منظور مبارزه با سازمان تروریستی داعش به عناصر محلی آموزش می‌دهند. افزایش شمار سربازان ترک در اردوگاه بعشیره در اواخر سال ۲۰۱۵ موجب بروز بحران بین دو کشور شد.

ب- روابط ایران و ترکیه با سوریه: سوریه تنها کشور عربی است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، دوست ایران بوده و امروزه به هم‌پیمان استراتژیک آن تبدیل شده است. سوریه از اولین کشورهایی بود که ایران را پس از انقلاب به رسمیت شناخت. در جریان جنگ تحمیلی نیز از معدودترین کشورهایی بود که جانب ایران را گرفت. عامل مهمی که در نزدیکی دو کشور مؤثر بوده، وجود دشمن مشترک؛ یعنی رژیم صهیونیستی است. سوریه در کنار ایران و لبنان، جبهه متحدی علیه رژیم صهیونیستی تشکیل داده‌اند(صراط، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۲). حمایت دو کشور از لبنان در جنگ ۳۳ روزه و در نهایت، حمایت جمهوری اسلامی ایران از رژیم سوریه در سال ۲۰۱۱ تاکنون از زمره نقاط عطف روابط دو کشور بوده است. تنها یک دوره بسیار کوتاه روابط دو کشور به تیرگی کشیده شد و آن مربوط به جنگ داخلی لبنان است که طی آن مدت کوتاهی میان جنبش امل که به سوریه نزدیک‌تر بود و حزب‌الله که به ایران نزدیک بود، درگیری‌های مسلحانه پیش آمد. سقوط حکومت صدام حسین روابط دو کشور را بیش از گذشته بهبود بخشید و در مقابل دشمن مشترک خود؛ یعنی رژیم صهیونیستی متحد شدند.

روابط ترکیه و سوریه بیش از همه تحت تأثیر مسأله کردها بوده است. با تشکیل حزب کارگران کردستان در دهه ۸۰ بحران کردها وارد مرحله جدیدی شد. در این زمان، حمایت دولت سوریه از کردها به دنبال کودتای نظامی ۱۲ سپتامبر در ترکیه و سختگیری علیه گروه‌های چپ و ناسیونالیست‌گرد، افزایش یافت. این عمل سوریه نوعی عمل متقابل

به دنبال برخی مسائل همچون الحاق هاتای به ترکیه، روابط اسرائیل و ترکیه و اختلاف بر سر آب انجام گرفت. در سال ۱۹۸۹ رهبران PKK از جمله عبدالله اوچالان به سوریه پناه بردند. این موضوع واکنش تند ترکیه را به همراه داشت و اختلافات دو کشور را دوچندان کرد. این اختلافات با اخراج رهبران PKK از سوریه پایان یافت؛ اما همچنان به عنوان یک بحران جدی در روابط دو کشور باقی مانده است. نحوه استفاده از آب، اختلاف دیگر دو کشور است. ترکیه ادعا می‌کند که به بخشی از رودخانه‌های دجله و فرات که در خاکش جاری است حاکمیت دارد؛ ولی در طرف دیگر سوریه بر ایجاد نظام سهمیه‌بندی آب و تشکیل یک سازمان مسئول در مورد امور رود فرات اصرار دارد. نگرانی سوریه از جلوگیری ترکیه از جریان آب فرات از اواسط دهه ۸۰ افزایش یافت (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۱). با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، فصل جدیدی از روابط ترکیه با همسایگان آغاز شد. روابط سوریه و ترکیه؛ به‌ویژه پس از سفر اردوغان به دمشق در دسامبر ۲۰۰۹، برای شرکت در شورای همکاری‌های استراتژیک گسترش بیش‌تری یافت.

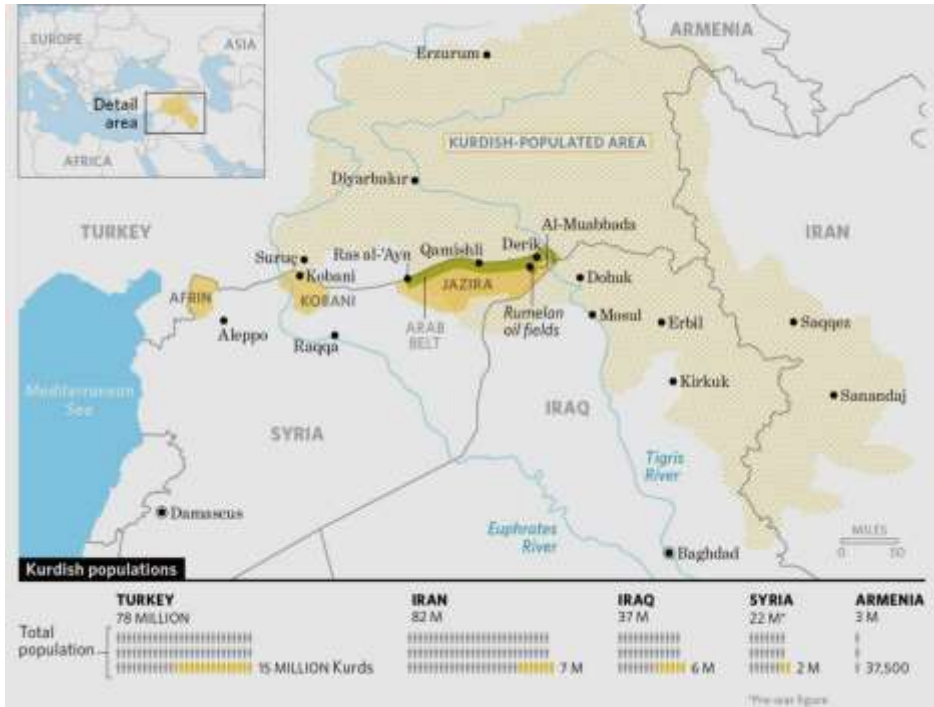
تحولات جدید سوریه و عراق تأثیرات مهمی بر الگوهای دوستی و دشمنی ایران و ترکیه داشته است. سوریه و عراق پس از صدام، دوست و متحد استراتژیک ایران تلقی می‌شود. بنابراین، آغاز بحران و جنگ داخلی در این دو کشور هیچ‌گاه به سود ایران نخواهد بود؛ چراکه ممکن است موجب حذف متحدان و دوستان ایران در منطقه شود. از سوی دیگر، حس حمایت و طرفداری در این دو کشور نسبت به ایران وجود دارد که آن را به سمت منطقه‌گرایی و ایفای نقش فعال در مقابل بحران وادار می‌کند. البته، این تحولات جدید، موجب تغییر سیاست خارجی ترکیه نسبت به همسایگان شده است؛ به طوری که اصل به صفر رساندن مشکلات با همسایگان را کنار گذاشته و به حمایت از مخالفان رژیم در سوریه و عملیات نظامی در شمال عراق پرداخته است. این امر نشأت گرفته از روابط خصومت‌آمیز و دشمنی ترکیه با سوریه و عراق است و بیش از همه متأثر از مسأله

کرده‌است. در بین همسایگان ترکیه، سوریه بیش‌ترین تقابل را با ترکیه داشته است. در این راستا، تحولات جدید این کشور موجب شده ترکیه به اتخاذ سیاستی مبنی بر حذف دشمن دیرینه خود و تلاش برای حاکم کردن رژیم برای ایجاد الگوی دوستی نسبت به خود بپردازد. از این نظر ترکیه به تسلیح و حمایت از مخالفان رژیم سوریه مبادرت کرده است. ترکیه حتی در جریان حمله موشکی آمریکا در ۷ آوریل ۲۰۱۷ به پایگاه نظامی بشار اسد، از اقدام آمریکا حمایت کرد و آن را موجب امنیت و ثبات منطقه دانست. بحران سوریه محلی برای کشاکش قدرت، حذف ایدئولوژی‌های رقیب و ایجاد متحدان منطقه‌ای برای ترکیه است که از این نظر موجب تقویت نگاه منطقه‌ای ترکیه شده است. بحران عراق نیز صحنه‌ای دیگر از این وضعیت است که ترکیه تلاش دارد بیش‌ترین بهره‌برداری را از شرایط حاکم در این کشور به عمل آورد؛ به‌ویژه خلاء قدرت و کاهش کنترل دولت بر مناطق شمالی، ترکیه را به فکر گسترش حوزه نفوذ خود در این کشور و حذف دشمن همیشگی خود؛ یعنی کردها انداخته است.

۴. همبستگی‌های فرهنگی، نژادی و منطقه‌گرایی ایران و ترکیه

دو عامل قومیت و مذاهب مشترک در رابطه با بحران‌های جدید سوریه و عراق موجب تقویت منطقه‌گرایی ایران و ترکیه شده است که قومیت کرد و مذهب تشیع را دربرمی‌گیرد. ۴-۱. **کردها:** کردها حدود ۴۵ میلیون جمعیت دارند که عمدتاً میان چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق پراکنده شده‌اند. پراکندگی این قوم در میان این چهار کشور، همواره روابط آنها را تحت تأثیر قرار داده است. البته، بعد بین‌المللی کردها را باید در تحولات عراق و کردهای شمال این کشور جستجو کرد؛ به‌طوری که روابط کردهای ایران و ترکیه و به نسبت کمتری کردهای سوریه، به نوع اقدام و تحولات کردستان عراق پیوند خورده است. در زیر پراکندگی کردها را در نقشه مشاهده می‌کنیم.

نقشه ۱: میزان پراکندگی کردها



منبع: www.cheshmalar.ir

به لحاظ جایگاه قومیت‌ها در امنیت ملی ایران باید خاطر نشان کرد که از نظر تجربی، اقدامات تجزیه‌طلبانه و خشونت‌آمیز و اقدامات تروریستی آنها پس از انقلاب اسلامی، مسأله قومیت‌ها اهمیت ویژه‌ای در امنیت ملی ایران داشته و دارد؛ ضمن آنکه از صبغه بین‌المللی نیز برخوردار است. از زمان انقلاب اسلامی تاکنون کردهای چریکی اقدامات مختلفی را علیه ایران انجام داده‌اند که موجب توجه و به‌کارگیری نیروهای دولتی برای برخورد با آنها شده است. جنگ مه‌آباد و پاوه از مهم‌ترین درگیری‌های دولت با کردها در داخل کشور بوده است. در سال ۲۰۰۵ فعالیت‌های گروه‌های چریکی تازه تأسیس

پژاک^۱ که شاخه‌ای از حزب PKK است، در ایران آغاز شد. این گروه دست به اقدامات تروریستی زیادی در شهرهای غربی زد و امنیت ملی را با چالش مواجه کرد. از سوی دیگر، حمایت و پشتیبانی ایران از کردهای عراق در زمان حاکمیت صدام و همچنین، ارتباط ایران با اقلیم کردستان و احزاب کردی آن در سال‌های اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته است. با ورود داعش به معادلات منطقه و قتل عام کردهای سوریه و عراق و حمایت ایران از کردها، این روابط افزایش یافته است. سفرهای مقام‌های دو کشور مخصوصاً سفر مسعود بارزانی به ایران و دیدار با مقام معظم رهبری، از جمله نشانه‌های گسترش روابط سیاسی دو طرف است. ایران در پی کشتار کردها توسط داعش، همواره از کردها حمایت کرد. رئیس‌جمهور ایران در سفر استانی خود به سنندج بیان کرد که ایران از اربیل، سلیمانیه و کرکوک به مثابه سنندج در برابر تهدیدها و خطرات از جمله تهدید تروریسم دفاع خواهد کرد. به نظر می‌رسد ایران با سه هدف، به گسترش روابط با اقلیم کردستان و حمایت از کردها اقدام کرد: نخست اینکه با ایجاد روابط و حمایت از کردها، ذهن کردهای ایران را نسبت به خود تغییر دهد و خود را به‌عنوان حامی کردها و به‌عنوان کشور دوست کردهای منطقه نشان دهد و از این طریق، از حس ملی‌گرایانه و استقلال‌طلبانه آنها بکاهد. دوم با اتحاد با اقلیم کردستان، از حمایت‌های فرامرزی به چریک‌ها و گروهک‌های مسلح کردی جلوگیری کند و ضریب امنیت ملی خود را افزایش دهد و سوم اینکه کردها و ایرانی‌ها همواره متحدان خوبی در برابر رژیم‌های اقتدارگرا و رادیکال بوده‌اند. بنابراین، برای حفظ وضعیت موجود و مبارزه علیه داعش و جلوگیری از قدرت‌گیری این جریان، اتحاد با کردها ضروری به نظر می‌رسد.

ناآرامی‌های جنوب شرقی ترکیه و تهدیدی که کردها علیه امنیت این کشور اعمال می‌کنند، همواره مورد توجه سیاستمداران این کشور قرار گرفته است؛ به طوری که موضع‌گیری‌های خاصی را در قبال کردها اتخاذ کرده‌اند. در این میان، عده‌ای به راه‌حل سیاسی و دیپلماتیک برای برخورد با کردها عقیده داشته‌اند و عده‌ای نیز به شیوه‌های نظامی و جنگی در قبال آنها معتقدند. جمهوری خواهان ترکیه بر آن بوده‌اند که هویت‌های گروهی را از بین برده و آزادی فردی را جایگزین آن سازند که این عمل موجب شورش‌ها و اعتراضات زیادی از سوی کردها شده است. نخستین شورش‌های کردی علیه دولت ترکیه در سال‌های ۱۹۲۴، ۱۹۲۶ و ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ رخ داد که همه آنها توسط دولت ترکیه سرکوب شد و هزاران خانواده کرد به منطقه آناتولی^۱ تبعید شدند (جی مارتین، ۱۳۸۹: ۲۲۹-۲۳۳).

کردها در ترکیه احزاب و گروه‌های مختلفی دارند که هرکدام شیوه‌ها و راهبردهای خاص خود را برای پیگیری مطالباتشان دارند. برخی به روش‌های سیاسی و قانونی معتقدند و برخی نیز همانند حزب کارگران کردستان (PKK) شیوه‌های مسلحانه عقیده دارند. در این میان، حزب کارگران کردستان، مهم‌ترین حزب رادیکال ترکیه است که از صبغه بین‌المللی نیز برخوردار است و سال‌های متوالی است که به اقدامات تخریبی در ترکیه دست می‌زند و همواره یکی از مسائل ثابت در سیاست داخلی و خارجی این کشور بوده است.

بعد بین‌المللی کردها بیش از همه برای ترکیه حائز اهمیت است؛ زیرا اعتقاد دارد جریان‌های افراطی کرد ترکیه از ناحیه کشورهای مجاور حمایت می‌شوند. نگرانی ترکیه در این باره پس از اشغال ۲۰۰۳ عراق بیش از گذشته افزایش یافته است. با سقوط رژیم صدام، فضای مناسبی برای فعالیت کردها مخصوصاً در شمال عراق پیدا شد و PKK

1. Anatolia

مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه‌گرایی.../۴۷

توانست دوباره نیروی لازم برای درگیری با ترکیه را پیدا کند. در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ PKK بیش‌ترین حملات علیه ترکیه را انجام داد و درگیری‌ها را به شهرهای اصلی ترکیه کشاند. عامل مهمی که با مسأله کردها در ترکیه قابل تأمل است، ایجاد اقلیم فدرال کردستان در شمال عراق است که تأثیرات مهمی در کردهای پیرامون خود داشته و به الگویی برای گروه‌های کردی دیگر کشورها از جمله ترکیه تبدیل شده است تا مطالبات خود را به دولت متبوعشان ابراز کنند (چگنی‌زاده و آثار، ۱۳۸۸: ۲۰۹-۲۱۰). در این راستا، ترکیه تلاش داشته است با توافقات مختلف با اقلیم کردستان و حزب میهنی کردستان، کنترل PKK را در دست داشته باشد و از تحرکات آنها جلوگیری کند. عراق و سوریه از این نظر در لیست کشورهای قرار دارند که برای ترکیه پیش از هرچیز با مسأله امنیتی ترکیه ارتباط پیدا می‌کنند. سوریه از همان آغاز شکل‌گیری PKK مهم‌ترین کشوری بوده که از آن حمایت کرده است. برخی علت این حمایت سوریه را مقابله به مثل سوریه می‌دانند که در مورد رودهای دجله و فرات انجام می‌دهد (جی مارتین، ۱۳۸۸: ۲۴۹-۲۵۰).

ترکیه در بحران‌ها و تحولات منطقه‌ای همواره به مسأله کردها توجه ویژه داشته؛ به طوری که این مسأله زمینه بسیاری از دخالت‌های این کشور در منطقه را فراهم آورده است. بحران‌های ۲۰۱۱ سوریه و ۲۰۱۳ عراق نیز زمینه دخالت ترکیه در این دو کشور را برای تضعیف کردها فراهم کرد. حمایت سوریه از کردها همیشه یکی از موارد اختلاف ترکیه و سوریه بوده است. از طرف دیگر، ترکیه همیشه از ناحیه شمال عراق احساس تهدید کرده است. مهم‌ترین تحولی که اخیراً در زمینه تأثیر کردها بر امنیت ملی ترکیه روی داده، همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق است. پس از اعلام آمادگی چندماهه نیروهای کرد و پس از اینکه گفتگوها میان دولت اقلیم کردستان و دولت عراق به نتیجه نرسید، «مسعود بارزانی» رئیس اقلیم کردستان اعلام کرد همه‌پرسی استقلال کردستان در روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار می‌شود. این تصمیم مورد موافقت پارلمان کردستان عراق قرار گرفت و در

روز ۲۵ سپتامبر برگزار شد. این امر موجب واکنش‌های منفی کشورهای منطقه از جمله ترکیه شد و این کشور مخالفت جدی خود را با هرگونه تغییر در تمامیت ارضی عراق اعلام کرد. در این رابطه، وزارت دفاع ترکیه نیروهای مسلح این کشور را به منظور انجام اقدام نظامی احتمالی در رابطه با همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان به حالت آماده باش درآورد. همچنین، پارلمان ترکیه در ۲۳ سپتامبر مجوزی برای ارتش ترکیه برای ارسال نیروهای نظامی به شمال عراق تصویب کرد. در ۴ اکتبر ۲۰۱۷ «رجب طیب اردوغان» سفر یک‌روزه‌ای به تهران انجام داد. رؤسای جمهور دو کشور در این دیدار توافق کردند با یکدیگر همکاری داشته باشند تا مانع از فروپاشی عراق و سوریه شوند. آنها تأکید کردند: «ما خواهان امنیت و ثبات در خاورمیانه هستیم... . رفراندوم استقلال کردستان یک طرح فرقه‌ای از سوی کشورهای بیگانه است.» همچنین، آنها بر همکاری و کمک به دولت مرکزی بغداد تأکید کردند (Al droub, 2017).

۲-۴. تشیع: در حال حاضر، جمعیت شیعه جهان بین ۱۶۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. این جمعیت در ایران، عراق، بحرین و آذربایجان در اکثریت و در کشورهای عربستان، لبنان، سوریه، کویت، قطر، یمن، افغانستان، هند و پاکستان در اقلیت‌اند. حدود ۵ درصد از ذخایر نفتی جهان در مناطقی قرار دارد که شیعیان در آن ساکن هستند و این بر اهمیت نقش شیعیان در تحولات منطقه می‌افزاید. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بر اهمیت نقش ایران برای نظام بین‌الملل و ایجاد ثبات و امنیت منطقه‌ای افزوده شده است. این امر بیش از همه در عراق جدید تجلی می‌یابد که ایران به دلیل اتصالات فرهنگی و سیاسی امنیتی دارای نفوذ فراوانی است (آیتی، ۱۳۸۶: ۱۳۲). اثرپذیری مطلق تحولات منطقه‌ای از عواملی نظیر مذهب، قومیت و اتحادهای بیرونی باعث شده است تا این باور شکل بگیرد که ایران هیچ‌گاه متحدی استراتژیک و رسمی نخواهد یافت. بر این اساس، ایران چاره‌ای جز توسل به شیعیان جهان که به صورت پراکنده در برخی از کشورهای منطقه هستند،

ندارد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۸). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تشیع به‌عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در دنیا مطرح شد. بهره‌مند شدن مذهب تشیع از پشتوانه قدرت سیاسی در ایران و آمادگی قلمروهای شیعی پیرامونی برای تحرک، تقویت و ارتقای سطح سیاسی خود، زمینه‌ها و بسترهای مناسبی را برای حضور ایران در خارج از مرزها فراهم نمود (Philip and others, 2017: 4). این حضور در شکل عملکردها و اقدامات مختلف نمایان و تعاملات متقابل مرکز-پیرامون در دنیای تشیع برقرار شد. انقلاب اسلامی ایران و ایدئولوژی شیعه بیش از همه بر شیعیان بحرین، عراق و لبنان تأثیرگذار بوده است. نفوذ و اهمیت تشیع در عراق بیش از سایر کشورها برای ایران مهم است. رهبر انقلاب اسلامی در سخنی فرمودند که: «راه قدس از کربلا می‌گذرد» که به نظر می‌رسد به اهمیت و جایگاه ویژه شیعیان عراق در راهبردهای سیاست خارجی ایران اشاره دارد. وجود شیعیان و مراجع ایرانی در شهرهای نجف، کربلا و سامرا بر اهمیت همبستگی مذهبی دو کشور دلالت دارد. نجف به دلیل وجود مرقد امام علی (ع) در آن و به‌عنوان یک مرکز علمی شیعه برای ایران از اهمیت ویژه برخوردار است (جعفریان، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۸۴). با ورود داعش به عراق و آغاز جنگ داخلی در این کشور و کشتار شیعیان در آن - که یکی از مبانی فکری داعش را شکل می‌دهد - امنیت شیعیان و شهرهای مذهبی تشیع عراق از اهداف سیاست خارجی ایران به‌شمار می‌رود. حفظ وضع موجود عراق که در آن شیعیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و همچنین، امنیت نظام شیعی ایران، ایجاب می‌کند که ایران سیاست مناسبی در قبال تحولات عراق اتخاذ کند. اگر ایران در خاک عراق با داعش مقابله می‌کند، یکی از دلایل آن تقابل ایدئولوژی‌هاست. داعش مبتنی بر یک ایدئولوژی سنی و سلفی از اسلام است که تشیع را دشمن خود و دشمن اسلام معرفی می‌کند. بنابراین، امنیت تشیع و نفوذ ایران در میان شیعیان در صورت موفقیت داعش از بین خواهد رفت. بر این اساس است که

ایران هرگز نمی‌تواند در مسائل منطقه‌ای و معادلات عراق درگیر نشود و از روی کار آمدن دولت شیعی حمایت می‌کند (Burns & Flurnoy, 2017: 11).

نتیجه‌گیری

تحولات جدید سوریه و عراق که از ۲۰۱۱ تاکنون آغاز شده، تهدیدها و فرصت‌های متعددی را در منطقه ایجاد کرده که این امر سیاست خارجی قدرت‌های منطقه از جمله ایران و ترکیه را با گزینه‌های متفاوتی روبه‌رو کرده است. با توجه به یافته‌های تحقیق، در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه تحولات سوریه و عراق چه تأثیری بر منطقه‌گرایی ایران و ترکیه داشته است، باید گفت که این تحولات با ایجاد چالش‌های امنیتی در قالب تهدیدات نظامی، قومیتی و تروریسم و با ایجاد فرصت‌هایی همچون کنترل مسائل منطقه‌ای، گسترش ایدئولوژی و افزایش حوزه نفوذ منطقه‌ای، موجب تقویت نقش منطقه‌ای ایران و ترکیه شده است. وضعیت خاص منطقه و مسائل موجود آن نشان می‌دهد که ایران و ترکیه نمی‌توانند نسبت به مسائل منطقه‌ای بی‌تفاوت باشند. به لحاظ منطقه‌ای، یک نوع وابستگی متقابل امنیتی میان کشورهای منطقه وجود دارد که روابط آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب اتحادها و همچنین تنش‌های آنها می‌شود. این وابستگی متقابل تحت تأثیر عوامل فرامنطقه‌ای، قومی و تروریسم قرار دارد. این عامل موجب قرار گرفتن مسأله امنیت منطقه‌ای در اولویت سیاست خارجی ایران و ترکیه شده است. روابط تاریخی و اختلافات تاریخی با عراق و سوریه موجب شده است تا ایران راهبرد حفظ رژیم‌های سوریه و عراق را اتخاذ کند تا از تکرار برخی تهدیدات تاریخی و دشمنی‌ها علیه کشور جلوگیری کند. همین عامل موجب شده است که ترکیه از ابتدای بحران‌های اخیرالوقوع، حذف رژیم سوریه و تضعیف دولت عراق را در دستور کار خود قرار دهد؛ متنها پس از رایزنی مقامات سیاسی - امنیتی روسیه و ایران با سران این کشور و وقوع کودتا علیه رجب طیب اردوغان و مسأله همه‌پرسی استقلال منطقه کردستان عراق، قدرت‌یابی بیش از پیش کرده‌های شمال

مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه‌گرایی.../ ۵۱

سوریه و همچنین، تضعیف داعش، ناگزیر شد از سیاست‌های تهاجمی قبلی مبنی بر پیشبرد الگوی منطقه‌ای خود برای قدرت‌یابی بیش‌تر از رهگذر رخنه در دولت‌های مرکزی سوریه و عراق عقب‌نشینی نماید. عامل دیگر که منطقه‌گرایی را در سیاست خارجی ایران و ترکیه ضروری کرده و موجب تقویت آن شده است، وجود قومیت‌ها و مذاهب مشترک با برخی کشورهای منطقه است. قومیت‌هایی چون کردها که سال‌ها امنیت ملی کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه را به هم پیوند زده است، اکنون نیز در معادلات منطقه‌ای این کشورها تأثیرگذار است. علاوه بر کردها، عامل مذهب تشیع نیز برای ایران بسیار حائز اهمیت است. تشیع برای جمهوری اسلامی هم جنبه امنیتی دارد و هم درخصوص حوزه نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران مورد توجه قرار می‌گیرد. از این نظر درخصوص منطقه‌گرایی دو کشور ایران و ترکیه باید گفت که در رابطه با بحران‌های سوریه و عراق، دو کشور با توجه به ظرفیت‌ها و تهدیدات به وجود آمده، منطقه‌گرایی خود را تقویت کرده‌اند. هرچند در سال‌های ابتدایی بحران‌های سوریه و عراق، این دو کشور خط مشی متفاوتی را بر اساس راهبردهای استراتژیک خود در پیش گرفتند؛ اما در شرایط کنونی - که خطر داعش به میزان قابل توجهی کاهش یافته و به ویژه کودتای ناموفقی در ترکیه رخ داد، دو کشور به اهمیت همکاری متقابل برای کسب نتیجه بهتر و مصونیت از تهدیدات و خطرات در تحولات منطقه پی برده و در نتیجه به هم نزدیک شده‌اند؛ هرچند راهبردهای کلان آنها همچنان دارای تفاوت‌های مبنایی است.

منابع

منابع فارسی

- ابراهیمی، نبی‌اله (۱۳۸۶). «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۸۲.
- _____ (۱۳۸۹). «گفتمان اسلام سلفی و جهانی شدن امنیت خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش ۴.
- آدمی، علی (۱۳۹۱). «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، ش ۶۲.
- بوزان، باری (۱۳۸۹). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹). «تشیع در عراق و مناسبات با ایران»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۱۵.
- جی مارتین، لی (۱۳۸۹). چهره جدید امنیت خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- چگنی‌زاده، غلامعلی و آثار تمر، محمد (۱۳۸۸). «تحركات قومی کردها و امنیت ملی ترکیه»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره دوم.
- حشمت‌زاده، محمد باقر (۱۳۸۷). تأثیر انقلاب اسلامی برکشورهای اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- داد اندیش، پروین و کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم.

مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه‌گرایی.../۵۳

عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). *نظریه‌های امنیت*، جلد اول، تهران: ابرار معاصر.

عسگریان، عباسقلی و تجری، سعید. (۱۳۹۶). «تأثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه در منطقه قفقاز»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۹۷.

علائی، حسین. (۱۳۹۱). «تحلیل تغییرات موازنه قدرت در خاورمیانه در پی قیام‌های مردمی در کشورهای عربی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و ششم، ش ۴.

فرج‌زاده، سکینه. (۱۳۸۹). «بررسی مواضع ترکیه نسبت به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران»، *فصلنامه دفاع مقدس*، سال نهم، شماره سی و پنجم.

قاسمی، صابر. (۱۳۷۴). *ترکیه*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

کوهکن، علیرضا و تجری، سعید. (۱۳۹۳). «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی»، *فصلنامه راهبرد*، ش ۱۰.

مسعودنیا، حسین و همکاران. (۱۳۹۱). «ترکیه و بحران سوریه؛ از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال اول، شماره چهارم.

مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۸). «جایگاه قومیت در منافع ملی ایران»، *فصلنامه روزه*، سال چهارم، ش ۱۱ و ۱۲ و ۱۳.

نیاکویی، امیر و بهمنش، حسن. (۱۳۹۱). «بازیگران معارض در بحران سوریه، اهداف و رویکردها»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، ش ۴.

منابع لاتین

Smyth, Philip(2017),”Revolution Unveild:A Closer Look At Iran S Presence An Influence In The Middle East”,Atlantic Council.

Burns And William And Flournoy,Michele (2017)”Contain, Enforce And Enhange:An Integrated Us Strategy To Address Iran S Nuclear And Regional Challenge”, Carnegie Endowment For International Peace.

Eisenstadt, Michael(2015), “Iran And Iraq” ,The Washington Institute For Near East Policy.

Bekdil, Burak(2015),“Dateline: Turkey’s Double Game With Isis”,Middle East Quarterly, Available In: [Http://Www.Meforum.Org/5317/Turkey-Isis](http://Www.Meforum.Org/5317/Turkey-Isis)

Katzman, Kenneth (2010), "Iran – Iraq Relations", CRS Report For Congress, No 12
"Turkey Sends In Jets As Syria's Sagony Spills Over Every Border" (25/Jul/2015), Guardian, Available In: [Http://Theguardian.Com/World/2015/Jul/25](http://Theguardian.Com/World/2015/Jul/25)
LUCAS, Scott(2015), "The Effects Of Russian Intervention In The Syria Crisis", GSDRC
Cander, Cengiz(2017), "Turkeys Threats Against Kurdish Referendum Vague In: [Https://Www.Google.Com/Amp/S/Www.Ai-ButDeliberate](https://Www.Google.Com/Amp/S/Www.Ai-ButDeliberate)" Available Monitor.Com/Pulse/En/Originals/2017/09/Turkey-Iraqi-Kurdistan-Referendum-Ankara-Adopts-Ambiguity.Amp.Html

منابع اینترنتی

واعظی، محمود (۱۳۸۶). چالش‌ها و رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی، مرکز

تحقیقات استراتژیک، قابل دسترس در:

<http://www.csr.ir/departements.aspx?abtid=07&&depid=44&semid=1095>

علائی، حسین (۱۳۹۲). در رقابت برای نفوذ در منطقه کجا هستیم، قابل دسترس در:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/104298>

خبرگزاری صراط (۱۳۹۲). چرا ایران از سوریه حمایت می‌کند، قابل دسترس در:

<http://www.seratnews.ir/fa/news/108511>

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴). روابط اقلیم کردستان عراق با ایران به گواهی

سنگرهای مشترک، قابل دسترس در:

<http://www.irna.ir/fa/news/81713025>

A Comparative Study of the Impact of Developments of Syria and Iraq on Regional Policy of the Islamic Republic of Iran and Turkey

Mohammad Javad Fathi¹ (corresponding author): Ph.D. student in political science, major in future studies of Islamic Revolution, Shahed University, Tehran.

Elham Rasouli Saniabadi: Assistant professor in political science, Yazd University, Iran.

Milad Khosravi Nejad: Post graduate student in International Relation, Allameh Tabatabaei University, Tehran , Iran

Received on: 3.9.2017

Accepted on: 29.10.2018

Abstract:

Nowadays regionalism is one of the requirements of active foreign policy. Keeping eyes on the developments in the peripheral region and their specific interest there guides the government to pursue suitable regional policies. Countries try to use their regional role and available opportunities to further their international position. Iran and Turkey as two regional powers and having important place among the Middle East countries are seeking to increase their regional role. The development which started from 2011 in Syria and later in 2013 in Iraq had great impact on regional policies of Iran and Turkey. The question raised by the present article is “what has been the impact of Syria and Iraq on regional policy of Iran and Turkey?” the hypothesis is “ the regional development in the said period have provided common opportunities and challenges for both the country and have strengthen the geopolitical look of Iran and Turkey”. The article has used Copenhagen framework named regional security suite theory and has categorized the opportunities and challenges in three determinants; namely mutual security interdependence, pattern of friendship and enmity and cultural and race affinities. The finding of the study shows that political, ideological and economic opportunities and security, economic challenges have strengthened the regional policy of Iran and Turkey after the said regional developments. The methodology used in the paper is descriptive-analytical

Keywords: Regionalism, Iran, Turkey, the Copenhagen school, regional security, developments in Syria and Iraq.

¹. f.mjavad@yahoo.com